چکیده

این تحقیق با اشاره به نقش و جایگاه اقتصادی نفت برای جوامع صنعتی غرب، عملکرد اقتصادی و سیاست دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی را در مقاطع زمانی مختلف در کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی قرار داده است. تا قبل از دهه ۱۵۰۰، سیاست‌های نفتی به‌ویژه بهای جهانی نفت و میزان تولید، متأثر از خواست و ارائه‌سنته‌گر انرژی دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی بود. اما با بیرگری ملت‌ها و رشد مبادلات و ملی گرایی آنها علیه استعمارگری های موجود، نفوذ و قدرت شرکت‌های بین‌المللی نفت نسبت به گذشته محدودتر شد. جوامع صنعتی غرب با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف به‌ویژه پیچیده تر و ظرفیت‌تر، ساختاری پیچیده‌تر کردند که بهتر از گذشته، تسلط و نفوذ جوامع صنعتی غرب را بر سیاست‌های اقتصادی نفتی تضمین می‌کرد. به عبارتی، سازوکارهای طراحی شده از سوی جوامع صنعتی غرب، ضمن پی‌بردن بازار اقتصاد جهانی نفت و حاکمیت این ساختار در ترمیم سیاست‌های جهانی نفت، جوانه‌ای است جریان سالم، ثابت و ارزان این کالای استراتژیک را تأمین می‌نماید و شکوفایی اقتصادی غرب را تضمین کند.

طقبه‌نردی JEL: O49, Q49.

کلیدواژه‌ها: بازار جهانی نفت، بازی‌گران جهانی نفت، کشورهای صادرکننده نفت، دولت‌ها و شرکت‌های نفتی، سازوکارهای کنترلی بازار جهانی نفت.
۱- مقدمه

نفت این ماده حیاتی و کالای استراتژیک از اوائل قرن بیستم تاکنون به گونه‌های مختلف، حیات اقتصادی و سیاسی کشورهای صادر کننده نفت و کشورهای خریدار و صنعتی غرب را تحت تاثیر قرار داده است. اساس توسعه و پیشرفت، بقا و دوام کشورهای صنعتی را محدداً مرهون بهره‌مندی مستمر و یکنواخت آنها از انرژی ارزان قیمت کشورهای نفت خزیدان‌ستان‌اند تا جایی که امروزه نفت را مهم‌ترین نیاز استراتژیک غرب می‌دانند.

تاریخ اقتصادی - سیاسی کشورهای نفت خزی، طی قرن گذشته از رقابت‌های استعماری و سلطه‌گری‌های شرکت‌ها و دولت‌های بزرگ نفتی غرب به منظور تحقیق و گسترش سلطه بر منابع نفتی کشورهای نفت خزی متأثر بوده است؛ به عبارتی بعد از کشف نفت در این مناطق، سیاست‌های نفتی به ویژه تعيین به‌های نفت و میزان تولید و صادرات آن توسط شرکت‌های بزرگ‌نفتی غربی تعيین می‌شود. در تعيین سياست‌های نفتی به‌ويژه به‌های نفت صادراتی نيز شركت‌ها ودولت‌های غربي از هيهق و مستند، منطقی و عادلانه پوريو نكرده، بلکه فقط سودجویی بيشهر و انگيزه‌های اقتصادي و سياسی صرفأ تعيين كننده سياست‌های نفتی بوده است.

استثمار شديد شركت‌های نفتي غربي، زمينه‌ساز نارضایتي، بيداري و خيرشي‌های مردمي و مبارزات ضداستعماری آنها به منظور ملی كردن صنایع نفتی شد. در واقع نتیجه وضعی رفتار سلطه‌گرانه دولت‌ها و شركت‌های بزرگ نفتی غربي، بستر ساز رو به اراده جمعي در بين كشورهای نفت خزير به منظور رهایي از سلطه اين دولت‌ها و شركت‌ها در تعيين سياست‌های نفتی بوده است. نموذگر آشكار اين روح و اراده جمعي را مي‌توان در شكل گيري و پيدايش سازمان كشورهای صادر کننده نفت (اوبک) در سال ۱۹۶۰ به منظور روابطي با زياده طليبيها ويكه تازي‌های دولت‌ها و شركت‌های نفتی غربي مشاهده كرد. هرچند كشورهای صنعتي غرب، شكل گيري اوبک را در راستاي منافع كشورهای صادر کننده نفت و اهميي عليه منافع سلطه‌گرانه نفتي خود تلقی كردن كه خواس‌ت و اراده كشورهای
صارددنبه نفت را در تعیین سیاست‌های نفتی مستقل‌سازی به منتهی به ظهور می‌رسانید، سوال این است که آیا اقدامات فردی و جمعی کشورهای صادر کننده نفت، توانتنده آنها را در بازی با حاصل جمع جبری صفر یک رویارویی با دولت‌ها و شرکتها نفتی غربی پیروز گرداند؟ به تعبیر دیگر، با تغییر اوضاع زمانه‌ای ناشی از رشد آگاهی و مبادرات ملی گرانه کشورهای نفت خیز و مقابله جدی آنها با سلطه‌گری‌های اقتصادی و سیاسی خارجی، آیا دولت‌ها و شرکتها نفتی غربی (با توجه به نیاز استراتژیک خود به این ماده حیاتی) به خواسته‌های کشورهای صادر کننده نفت در رابطه با سیاست‌های نفتی، به ویژه بهای نفت مورد نظر آنها تمکین کردنده یا بالا علاکس با تعقیب ساز و کردهای جدید و طراحی بازار اقتصاد جهانی نفت همانند گذشته، سلطه خود را بر سیاست‌های جهانی نفت تحمیک کردن د. این مقاله بر آن اطلاع می‌دهد تا با توجه به حوادث و تحولات تاریخی و کنارکشی بازیگران جهان نفت اقدامات و سیاست‌های جهانی را در تأمین‌امنیت انرژی ارزان قیمت و استمرار جریان آن به سمت غرب تضمین کند. در واقع جهان صنعتی برای نهاده‌های سازی استمرار جریان انرژی ارزان به سوی غرب به مجموعه‌های از سازوکارهای کنترلی متوسل شده که در این تحقیق بررسی می‌شود. 

متدولوژی تحقیق: بررسی‌های موجود از تحولات بازار جهانی نفت با رویکرد اقتصاد سیاسی، نویسنده را با روش‌های مختلف تحقیق مواجه می‌کند. اما از آنجا که هدف از متدولوژی و روش‌شناسی رویارویی با موضوع خاص باید رسیدن به حقيقة و شناخت به‌بیانی این است که در این تحقیق از روش‌های تاریخی و تئوریی علی‌بهره گرفته شده است. در پروتکل‌ولوژی یاد شده بازار جهانی نفت را با توجه به بستر و اوضاع زمانه و تاریخی از یک‌سو و تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های بازیگران اصلی بازار جهانی نفت به عنوان فعالان مختار و حساس‌گربه (در سود و زیان خود) را از روی دیگر بررسی کنیم. در این تحقیق از منابع کتاب‌ها، اسناد وزارت خارجه و وزارت نفت، منابع معترف فارسی و لاتین، اینترنت، و روشن.
مجله تحقیقات اقتصادی / شماره ۲۰ / پاییز ۸۴

مجله علمی و تخصصی، روزنامه‌ها و نشریات بهره‌گیری شده است.

فرضیه: با تغییر اوضاع زمانی به‌ویژه بعد از دهه ۱۹۵۰ و بیان‌دادن و مبارزات
ضداستعماری کشورهای نفت‌خیز، دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی با تنظیم
سازوکارهای گوناگون و شکل‌دهی بازار اقتصاد جهانی نفت، موفق شدند کنترل
سیاست‌های جهانی نفت را به‌طور نسبی در دست داشته باشند.

۲- بازار اقتصاد جهانی نفت و سازوکارهای کنترلی آن

به لحاظ اهمیت و جایگاه واقعی که نفت در برتری‌های اقتصادی، صنعتی و
فناوری غرب ایفا کرده است، دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی غربی برآن بودند
تا از طریق به کارگیری اهرم‌های و سازوکارهای کنترلی با تسلط بر منابع و ذخایر
نفتی کشورهای صادر کننده نفت، جریان نامل، ثابت و ارزان نفترا به‌سیوه جوامع
صنعتی غرب تضمین کنند. در بهره‌گیری از نوع سازوکارهای کنترل کننده،
دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی نفتی غربی در طول زمان یک‌نواخت عمل
نکردند؛ چنان‌که بعد از آن اشاره خواهد شد تا قبل از دهه ۱۹۵۰
سیاست‌های نفتی، به‌طور یکجانبه، غیرمنطقی و غیرمستقل، توسط شرکت‌های
نفتی غربی و کامل‌اگیر به‌سوی آن‌ها امکان می‌شد. اما با رشد آگاهی و مبادرات
ملی گزارش‌های ملته علیه استثمار‌گری‌ها و توجه به این که
نفتی غربی و محدود شدن قدرت و نفوذ این شرکت‌ها، جوامع صنعتی غرب در اقدامی
پیچیده‌تر و هماهنگ‌تر، بازار اقتصاد جهانی نفت را پی‌ریزی کردند. اقتصادی که
 ضمن تبعیض سیاست‌های جهانی نفت و تضمین امنیت ارزان‌قیمت برای
غرب‌زمانه تک‌روی و زیاده‌خواهی کشورهای صادر کننده نفت ممانعت می‌کرد.
بازار اقتصاد جهانی نفت حاصل رقابت‌ها و کمک‌های تاریخی دولت‌ها و
شرکت‌های بزرگ‌نفتی غرب از یک سو و کشورهای نفت‌خیز از سوی دیگر در طی
قرن گذشته به‌ویژه است. در این‌تاریخ صنعت نفت را در کشورهای توسعه
نیافته تحت نفوذ امپراپرست مستعمرات (به‌ویژه بریتانیا) می‌بهانند که بعد‌هایه
ساختاری صنعتی نسبتاً باتباث متشکل از شرکت‌های بزرگ‌نفتی بین‌المللی (عمدتاً
آمریکایی و انگلیسی) تبدیل می‌شود. 1 دوستی ها و شرکت‌های غربی در تری‌های فنی، و فناوری خود از یک سو و فقر و ناآگاهی کشورهای نفتی خیر از سوی دیگر در تعیین بهای پرداختی نفت از هیچ نوع سیستم منطقی و مستقل قیمت‌گذاری پیروی نکرده‌اند. در واقع فروش‌خواهی و زیاده‌طلبی‌های آنها تعیین کننده بهای نفت و مبالغ پرداختی به کشورها نفت‌خیز بوده است که در مواردی حتی از مللنات پرداخت‌یان شرکت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی نیز به مراتب کمتر بوده است. استدلال را و گرگی‌های بی‌جدو حصر، زمینه‌ساز‌خیز‌ها و گنج‌های ملی گزارنده در کشورهای منطقه با هدف ملی کردن صنعت‌نفت و قطع یاد دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی شد.

اندکی پس از بیداری و آگاهی مردم و دولتهای کشورهای نفت‌خیز منطقه در سال 1960 سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اویک) به منظور رویارویی با زیاده‌طلبی‌های دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی و اتخاذ سیاست‌های واحد در رابطه با ثبات قیمت‌ها و میزان عرضه نفت و... تأسیس شد. شرکت‌های بین‌المللی نفتی و دولت‌های صنعت‌نفتی غرب به موازات اقدام اخیر کشورهای صادر کننده نفت و در راستای سیاست‌های گذشته خود مبین به دسترسی مستمر به منابع نفتی ارزان و ناکامند ساختن اقادات اویک، مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌ها را طراحی کردند. اقدامات و سیاست‌هایی که به ویژه بعد از دهه 1970 زمین‌های شکل گیری پزار اقتصادی‌هایی نفت بود و باعث شد تا ضمن برقراری امنیت انتزاعی، جبران سالم و ثابت نفت به غرب و زاین بی‌های ارزان، مانع از هرگونه زیاده‌طلبی و یک‌تازه‌کشی کشورهای صادر کننده نفت در رابطه با افزایش شدید قیمت‌ها و کاهش عرضه نفت‌شود.

شواهد حاکی از این است که نفت با حیات سیاسی و اقتصادی جوامع غربی عجین است. امروزه‌های بیش از 80٪ تجارت نفت خام و مواد نفتی در جهان را کشورهای غربی و شرکت‌های وابسته به آنها تحت کنترل دارند. هر چند نفت را

1- Philip George, (1994).
یک اثری تجیدنابذر می‌دانند. لیکن تقاضای جهانی نفت در بین جوامع صنعتی غرب روندی روبه‌رفت‌آیش داشته است. به عبارت دیگر اگر تقاضای جهانی نفت را مجموع تقاضای منطق‌های non-OECD و OECD بدانیم این روند را می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده کرد.

نمودار ۱- روند تقاضای جهانی نفت

کنترل و تسلت غرب بر این میزان نفت جهان، که از زمان توسه اقتصادی و صنعتی آن است در کنار دانش فنی و فناوری آنها در زمینه صنایع نفتی، استخراج، اکتشاف، تولید، پالایش و میزان سرمایه‌گذاری‌ها گذاری‌های آن در زمینه نفت همه حاکی از این است که «نتایج کلی‌ای غربی در کل روابط و محاسبات استراتژیک منطق‌های و بین‌المللی محسوب می‌شود». ۲

گرچه‌گفت برای کشورهای صنعتی بیشتر یک فرصت اقتصادی بوده تا تهیه و همواره عامل توسه و پیشرفت اقتصادی و صنعت آنها بوده است، اما به لحاظ روانی، آنها نگران روز دیگری به عینی تهدیدات برخاست‌های وابستگی به هنفت، قطع و

1- تألیف، سید (۱۳۷۲).
2- پیشین، ص ۱۱۸.
کاهش صادرات کشورهای تولیدکننده نفت و یا افزایش قیمت این کالا بوده است. در یک کلام، نگرانی آنها همواره تهیه «انمیت انرژی» بوده است. به عبارتی «عرض هانزی ممکن است سهل الوصول باشد، اما این امر در تجارت بین المللی افرادی که بذیرفتنت نیستند زیرا عرضه با خود ریسک های امنیتی را حمل می کنند. همچنین با اقتصاد نفتی وجود ندارد که این مشکل را برای مدت بیش از بیست سال حل کرده باشد.

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ روابط دولت ها و شرکت های بزرگ نفتی غربی با کشورهای نفت گرمایش اعمال فشار و اراده اقتصادی - سیاسی این دولت ها و شرکت ها بر کشورهای صادر کننده نفت قرار داشت. در این مقطع زمانی شاهد حاکمیت شرکت های بزرگ نفتی در قبال هفت خواهران نفتی در دنیا و منطقه خلیج فارس و خاور مانه هستیم. شرکت هایی که باتحمل اردام سیاسی و اقتصادی خود نوآورانند حتی حکومت ها را عوض کنند. در این دوران نگرش حاکم بر روابط و مناسبات خریداران و فروشنده گان نفت، نگرش برند - باخت و باید با حاکم بر بازی را گروه و یکسان ای ان دولت ها و شرکت های نفتی غربی ترسیم می کردند. بهای جهانی نفت نیز به طور یکجانبه از روزهای این دولت ها و شرکت ها بدون توجه به رضایت کشورهای صادر کننده نفت تعیین می شد. از این رو در مدت بیست سال یعنی از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۰ قیمت نفت در خلیج فارس در سطحی بین ۱/۹۵ و ۱/۷۵ دلار باید باید طبیعی توسط شرکت های نفتی تعیین می شد.۱ این سطح قیمت تنها برای یک بار در طی سال ۱۹۵۷ به دلیل بسته شدن کانال سوئز، در پی حملات دولت های فرانسه، انگلیس و اسرائیل به مصر، به ۲/۸۰ دلار برای هر بشکه افزایش پیدا کرد. این قیمت در فوریه سال ۱۹۵۹ به ۱/۹۰ دلار برای هر بشکه کاهش یافت و به دنبال آن کاهش دیگر در اوایل سال ۱۹۶۰ به وقوع پیوست که

2- رئیس طوسي، رضا. (۱۳۶۴) .
قیمت‌ها را دوباره به سطح سال‌های 1952 و 1951 رسانید. ۱ آمار و ارقام در طی
۲۴ سال حکایت از شدت استثمارگری اقتصادی و تندروی شرکت‌های نفتی در
تعیین قیمت نفت کشورهای صادر کننده دارد؛ چنانکه به‌ای نفت سبک عربستان
سعودی که در سال 1947 (1326ه) به ۲/۸ دلار بوده، در فوریه سال
1957 (1336ه) به ۴/۲ دلار کاهش داده شد. در فوریه سال
1959 (1337ه) دوباره
بهای نفت به ۱/۷ دلار کاهش پیدا کرد. از سال
1959 تا 1971
(1350ه) این به ثابت ماند. به این ترتیب در طول ۲۴ سال از
1947 تا 1971
بهای نفت ۳۹ دلار کاهش داده شد. تناژ از قیمت‌بندی که کمی کاهش
7/9 دلار پس از
کاهش هزینه تولید و دیگر تخفیف‌هایی که کمی‌مانی رفت‌دریافت می‌کردن،
۱/۲۳ دلار به عنوان سود باقی می‌ماند. نیمی از این مبلغ می‌گویند
۶۸ سنت از طرف
کمی‌مانی نفت به عنوان حق الامتیاز ۵۰۰ به دولت‌های کشورهای تولید
کننده نفت داده می‌شود.

شتد استثمارگری اقتصادی شرکت‌های نفتی غربی در این دوران زمینه‌ساز
قیام‌ها و خیزش‌های مردمی به منظور ملی کردن صنایع نفتی و خلع یاد از
شرکت‌های نفتی شد. در موقعیتی که شرکت‌های نفتی نفت، این شرکت‌های
کشورهای نفت خز را به به‌ای ناجی‌گری غارت می‌کردند، محصولات کشورهای غربی به گران به دیگر کشورهای جهان صادر می‌شدند؛ اما در طول همان زمان که
کمی‌مانی نفت را کاهش داده و ثابت نگهداشت که، بهای محصولات و
کالاهای اساسی سه تا چهار برابر افزایش یافته بود. برای مثال بهای شکر از تنی
۱۰۰ دلار به ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ دلار رسید. روغن نباتی از تنی
۱۰۰ دلار به ۱۰۰۰ دلار و
گندم از تنی
۵۰ دلار به ۲۵۵ دلار افزایش یافت. ۳ نگاهی به جدول زیر و مقایسه
درصد افزایش مواد غذایی و قیمت نفت حاکی از رشد تاریک، غیرعادلانه و تحملی
این محصولات از سوی جهان غرب است؛ به عبارت دیگر با مقایسه این دو دسته

۱- یعیسی. زکی.
۲- رئیس طوسی. رضا.
۳- همان منبع. ص 198.
آمار و ارقام می‌بینیم که در مواقعی درصد افزایش مواد غذایی در مقایسه با افزایش قیمت نفت ۴/۸ برابر بوده است.

جدول ۱- درصد افزایش قیمت کالاهای مصری در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (او. ای. سی. دی.)

<table>
<thead>
<tr>
<th>کشور</th>
<th>درصد افزایش قیمت نفت/برق</th>
<th>درصد افزایش قیمت موادغذایی</th>
<th>نام کشور</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>ایالات متحده آمریکا</td>
<td>۶/۲</td>
<td>۱۱/۷</td>
<td>۳/۱</td>
</tr>
<tr>
<td>کانادا</td>
<td>۷/۴</td>
<td>۴/۸</td>
<td>۲/۹</td>
</tr>
<tr>
<td>زاین</td>
<td>۵/۵</td>
<td>۱۰/۷</td>
<td>۹/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>بریتانیا</td>
<td>۵/۳</td>
<td>۷/۱</td>
<td>۴/۶</td>
</tr>
<tr>
<td>فرانسه</td>
<td>۷/۸</td>
<td>۵/۱</td>
<td>۴/۳</td>
</tr>
<tr>
<td>آلمان</td>
<td>۵/۱</td>
<td>۱۰/۸</td>
<td>۳/۰</td>
</tr>
<tr>
<td>ایتالیا</td>
<td>۴/۷</td>
<td>۴/۸</td>
<td>۴/۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>

متأخراً مؤسسین بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن بررسی‌های استراتژیک سال ۱۹۷۴ ص ۳۳.

بررسی‌های انجام شده در ارتباط با تغییرات سالیانه کالاهای مصری کشورهای اوا. سی. دی. طی سال‌های ۱۹۶۱-۶۴ را به سوی آمارهای جدیدی رهتمون می‌کند. آمارهایی که حاکی از روند معکوس درصد افزایش قیمت کالاهای مصری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بعد است. جدول شماره ۲ روند نزولی و نسبی این آمارها را به وضوح نشان می‌دهد.

۱- همان منبع، ص ۱۸۴.
۲- W.W.W.OECD org., OECD Economic outlook database.
جدول ۲- درصد افزایش قیمت کالاهای مصرفی در بخشی از کشورها عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (او. ای. دی.)

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال</th>
<th>۱۹۸۰</th>
<th>۱۹۸۱</th>
<th>۱۹۸۲</th>
<th>۱۹۸۳</th>
<th>۱۹۸۴</th>
<th>۱۹۸۵</th>
<th>۱۹۸۶</th>
<th>۱۹۸۷</th>
<th>۱۹۸۸</th>
<th>۱۹۸۹</th>
<th>۱۹۹۰</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>شمال</td>
<td>۱/۱۰</td>
<td>۱/۱۱</td>
<td>۱/۱۲</td>
<td>۱/۱۳</td>
<td>۱/۱۴</td>
<td>۱/۱۵</td>
<td>۱/۱۶</td>
<td>۱/۱۷</td>
<td>۱/۱۸</td>
<td>۱/۱۹</td>
<td>۱/۲۰</td>
</tr>
<tr>
<td>آسیا</td>
<td>۱/۲۱</td>
<td>۱/۲۲</td>
<td>۱/۲۳</td>
<td>۱/۲۴</td>
<td>۱/۲۵</td>
<td>۱/۲۶</td>
<td>۱/۲۷</td>
<td>۱/۲۸</td>
<td>۱/۲۹</td>
<td>۱/۳۰</td>
<td>۱/۳۱</td>
</tr>
<tr>
<td>اروپا</td>
<td>۱/۳۲</td>
<td>۱/۳۳</td>
<td>۱/۳۴</td>
<td>۱/۳۵</td>
<td>۱/۳۶</td>
<td>۱/۳۷</td>
<td>۱/۳۸</td>
<td>۱/۳۹</td>
<td>۱/۴۰</td>
<td>۱/۴۱</td>
<td>۱/۴۲</td>
</tr>
</tbody>
</table>

متأخ: پایگاه اطلاعاتی چشم‌انداز اقتصادی کشورهای اورایسی. 

برای است. 

هرچند دهه ۱۹۷۰ به دلیل تحولات و حوادث آن، قیمت جهانی نفت در مقایسه با دهه‌های قبل، روندی رو به افزایش داشته است، چنانکه در جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنیم، درصد افزایش قیمت کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی غرب به کشورهای صادراتی نفثی عضو اوپک، پیوسته در طول این دهه رشد صعودی و سرسرا آوری را نشان می‌دهد. چنان که آمارهای جدول بعید نشان می‌دهد، در سال ۱۹۷۹، قیمت کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی غرب به کشورهای عضو اوپک، افزایش ۲/۱۱ درصد داشتند، که نشان می‌دهد:

جدول ۳- درصد افزایش قیمت کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی غرب به کشورهای عضو اوپک در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۹

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال</th>
<th>۱۹۷۲</th>
<th>۱۹۷۳</th>
<th>۱۹۷۴</th>
<th>۱۹۷۵</th>
<th>۱۹۷۶</th>
<th>۱۹۷۷</th>
<th>۱۹۷۸</th>
<th>۱۹۷۹</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>درصدافزایش</td>
<td>۱/۴۴</td>
<td>۱/۲۱</td>
<td>۱/۱۷</td>
<td>۱/۲۶</td>
<td>۱/۴۱</td>
<td>۱/۳۳</td>
<td>۱/۳۴</td>
<td>۱/۳۰</td>
</tr>
<tr>
<td>سال پایه</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
<td>۱۹۷۰</td>
</tr>
</tbody>
</table>

متأخ: اقتباس از فهرست قیمت‌های واردات اوپک، از مقاله عدنان الحسابی موزه‌های تازه‌گذاری خارجی بین کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) و کشورهای صنعتی، اوپک ریبونو، جلد ۳ و ۴ (قسمت جهان و یک) سال ۱۹۸۰، ص. ۵۱. 


۱- همان منبع، ص ۱۹۸ به نقل از: ۵۱. 
آمارهای جدید و منتشر از سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه(OECD) قیمت کالاها و خدمات صادراتی کشورهای مزبور را به‌طور جداگانه ارائه کرده است، امّامیانگی آمارهای یاد شده طی سال‌های ۱۹۸۷ - ۲۰۰۶ به‌صورت زیر است:

جدول شماره ۴: درصد افزایش قیمت کالاها صادراتی کشورهای عضو (طی سال‌های ۱۹۸۷ - ۲۰۰۶)

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال</th>
<th>کشورهای OECD</th>
<th>کل</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱۹۸۷</td>
<td>۴۷/۶</td>
<td>۴۷/۶</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۹۸۸</td>
<td>۴۷/۸</td>
<td>۴۷/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۹۹۹</td>
<td>۴۷/۹</td>
<td>۴۷/۹</td>
</tr>
<tr>
<td>۲۰۰۶</td>
<td>۴۷/۹</td>
<td>۴۷/۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

*ML: باگه‌ای اطلاعاتی چشم‌انداز اقتصادی

در مجموع می‌توان گفت که نه تنها روند افزایش محصولات و صادرات کشورهای صنعتی غرب به کشورهای جهان سوم و کشورهای عضو اروپا با روند افزایش به‌ای نفت صادراتی کشورهای صادر کننده نفت به جوامع صنعتی غرب قابل مقایسه نبست، بلکه شدت استثمار دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غرب به حذف است که به اعتراض خود آمریکایی‌ها مالیات‌های دریافتی دولت آمریکا از بابت واردات هر بشکه نفت ۵ برابر درآمد دولت‌های صادر کننده نفت‌زای آن بشکه نفتی است. از آغاز دهه ۱۹۷۰ درآمد دولت‌آمریکا مالیات‌های هر بشکه نفت وارداتی ۵ برابر درآمد هر بشکه کشورهای تولید کننده نفت از فروش همان بشکه نفت بود. ۲

*گفت که به تعبیر نیکسون، به عنوان یکی از از ارزان‌ترین انرژی‌ها، پاشنه‌اش یک‌‌‌الی‌خ صنعت غرب را تشکیل داده بود، از یک سو به عنوان فرصت طلایی برای کشورهای صنعتی غرب مطرح بود و از سوی دیگر به سختی تکفی اقتصاد نفتی کشورهای

۱ W.W.W.OECD org., OECD Economic outlook database.

۲ همان منبع، ص.۱۴۰
صاردر کننده نفت را می‌کرد، اما در کناره‌کننده نفتی می‌بایست بهترین منطقه‌ای در
تعمیم عادلانه قیمت نفت از سوی شرکت‌های نفتی وجود نداشته است. جی. ای. هارتسون در سال ۱۹۶۲ خاطر نشان کرد که «شرکت‌های نفتی در ام توضیح و
پیشنهادهای مربوط به سیستم «معقول و مستقل» که یا غلط بوده یا احتمالاً
عملی نبود، نقش مؤثری داشتند، لیکن آنها در جهت فرموله کردن یک سیستم
معقول و مستقل غیربیندهت بوده است که منافع سرشاری از نفت خاورمیانه عابد آنها
می‌شد، شیخ عبدالله ترکی مسئول امور فنی عربستان در سال ۱۹۶۰، طی
گزارشی به کنگره نفتی عرب، شرکت‌های نفتی عمده رامتهم کرد که «در عرض
دو سال قبل با اقدامات و دستکاری‌های زیرکانه و استادانه خود در مورد قیمت‌ها
پیش از همه می‌گذرد، سر کشورهای خاورمیانه کلاه گذاشته‌اند».

تأسیس سازمان کشورهای صادر کننده نفت (واویک) پاسخی از سوی این
کشورها به یکی از نتایج نفتی یاد شده بود که با کنترل بهای نفت، کاهش
پنهان و یا ثابت نگهدارش قیمت‌های نفت، طی بیش از دو دهه، ضمن غارت شرکت
کشورهای نفتی، میلیارد بیشتر به جای خود بودند. حال کشورهای عضو اویک بر
آن بودند تا یک خطر و مشی واحد وحدت روش، جلوی این گونه غارت‌گری‌ها را
بگیرند. در واقع «اویک کارتی از کشورهای درمان نفتی جوین عربستان سعودی،
ونزوئلا، کویت، ایران و عراق بود که در دهه ۱۹۶۰ در ارتباط به کاهش یک چند
بهای نفت از سوی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی که در دهه ۱۹۵۰ باکسیدن
ماشی تولید، تولید زیاد ایجاد کردند، تأسیس شد».

جهان صنعتی غرب در راستای تأمین امنیت انرژی مورد نیاز و ارزان، که اغلب
در منطقه خاورمیانه متمرکز است، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، با توجه به تحول ساختار
تجارت بین الملل و تأثیر آن در روابط بین الملل و تغییر جایگاه شرکت‌های بزرگ

1- پارکر، نسیم سی.
2- همان منبع، ص ۴۴.
3- Askari, Hossein and Jaber, Mohamed, (1999).
نفتی نسبت به گذشته، خطمشی‌هایی اتخاذ کرد که بازار اقتصاد جهانی نفت را به وجود آورد. ساختاری که جیران سالم و ثابت نفت به غرب و زاین را نهاده‌ندن ساخت و منع هرگونه تندروی و یک‌تازی از سوی کشورهای صادر کننده نفت در مورد افزایش قیمت‌ها یا کاهش تولید می‌شد. در واقع بازار اقتصاد جهانی نفت، قواعدی را برای تجارت جهانی نفت ترسیم و به لحاظ اقتصادی و سیاسی، ساختاری را برای کشورهای نفت‌خیز طراحی کرد که این کشورها اعیانی تندرو و میانه‌رو ناگزیر از پذیرش آن شدند. نکته جالب آن که بعضی از کشورهای صادر کننده نفت، خود به دلایل وابستگی‌های سیاسی و نیازمندی‌های اقتصادی، امنیتی، نظامی و حتی ساختاری، حافظ و مدافع این ساختار شد و منافع و بقای خود را همسو با حفظ بازار جهانی نفت می‌دانند.

پیشایی و تحولات ساختاری از ابتدا دهه 1970 (که با ملی شدن شرکت‌های نفتی آغاز‌شد) یکی از کشورهای نفتی در فعالیت‌های مختلف در اواخر دهه 1980 را به همراه داشت. پس از آن کشورهای سازمانی شرکت‌ها، افزایش کارآیی و بازده شرکت‌های کوچک به‌دنبال نظریه کوچک زیبایی نقطه تغییر شد. در اواخر دهه 1990 همزمان با کم شدن نوسانات قیمت‌نفت، افزایش بهتر رقابت در صنعت نفت، شکل‌گیری بازارهای نفت و تقویت بازارهای بورس نفت (خصوصاً برق) تغییرات و تجارت بازار آغاز شد. تعداد شرکت‌ها و تعداد نشانه‌گران افزایش یافت. افزایش بازارهای انتقال جمع‌آوری شیوه و بررسی داده‌های جهانی نفت در دهه 1990 با هدف افزایش کارآیی و سودآوری پیشرفت صورت گرفت. برای مثال در اواسط دهه 1990 بی‌پای و موبایل در اروپا و شل و تگزاس در آمریکا اقدام به ادامه فعالیت‌های پایین‌دتی خود کردند ولی پس از آن شاهد ادامه کامل این گروه از شرکت‌ها بودیم که با ادامه بی‌پایی آمکو در تابستان 1998 آغاز شد.
شماره 3 روند تغییر ساختار صنعت نفت در نتیجه تحولات مختلف از یکسو و منافع بازیگران غربی صنعت نفت را از سوی دیگر نشان می‌دهد.

نمودار ۲- روند تغییرات ساختار صنعت نفت جهانی

علاوه بر همه اقدامات و تمهیدات صورت گرفته از سوی دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی وروند تغییر ساختار صنعت جهانی نفت مسئله امنیت حرکت انرژی مستمر و ارزان به ویژه نفت به‌سمت غرب مهم‌ترین کلید قرار داده‌اند که در بنابر این آنها مجموعه‌هایی از اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که در شکل گیری و تحسین پایه‌های صنعت جهانی نفت مؤثر بوده است. به تعبیر دکتر احمدیان «در بازارهای بورس نفت کشورهای عمده صنعتی که از واریکندگان نفت خام دنیا هستند تلاش می‌کنند سازوکارهای بسیار کنترل و تعیین قیمت نفت به وجود آورند تا رشد و ثبات اقتصادی خود را از اثرات مستقیم و غیرمستقیم شوک‌های در وحشت نفت مصون نگه دارند. موفقیت این سازوکارها در جریان ازادسازی کویت توسط متحدین چشمگیر بود.» در یک جمع‌بندی کلی اهم این سازوکارهای کنترلی عبارتند از:

1. همان منبع، ص 77
2. احمدیان، مهید، (۱۳۷۸)
1-2 تلاش در تضعیف اوبک

هرچند تأسیس اوبک در راستای دفاع از منافع کشورهای صادر کننده نفت، تلاش در ثبات قیمت‌ها و عرضه نفت به قیمت مناسب به کشورهای مصرف کننده بوده است، اما جهان صنعتی اتحادیه و وحدت عملی کشورهای عضو اوبک را تهدیدی جدی برای منافع خود می‌دانست. به همین دلیل اتان مصمم بودند با بهره‌گیری از نقاط ضعف این سازمان نوبتا برای فروباشی آن قدم نمایند: "از فقر فنی تا عدم وحدت و ثبات سیاسی عارضه‌های جنینی چنین تشکیل بود. از این روی جهان صنعتی می‌گوید با بهره‌گیری از تنش‌گذاری اوبک آن را از درون و بیرون منشأ باد. اولین است. جمع‌آوری منابع غرب به رغم همه منافعی که از کشورهای عضو اوبک برداشته و همه نفوذی که بر خری با عضویت مهم و اصلی اوبک داشته‌اند، مصمم هستند تا حد ممکن بررسی را به‌طور علمی به آنها یاغدیل کند. از نظر آنها "اوبک ریشه‌های بحران‌های انرژی" است که هنوز نفوذ زیادی بر جهان اقتصاد به‌طور اهم و اقتصاد انرژی به‌طور اختیاری دارد؛ هرچند گسترش‌دهی نفوذ آن تا حدی 200-15 سال قبل نیست."

در راستای تلاش برای تضعیف و فروباشی اوبک، "کمپانی‌های بین‌المللی نفتی، همسو با سیاست‌های کشورهای متربط شان به‌طور گسترده از عناصر قدرتی چون قدرت سرمایه‌گذاری، امکان ذخیره سازی بزرگ‌سایز، امکان فراهم‌آوری ارائه نفت از مناطق بیرون از اوبک، برقراری پبوندهای تزئینی با مراکز تصمیم‌گیری کشورهای محافظه کار اوبک، افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های بیرون از اوبک و... سیاست روابطی با اوبک را برگرداندند. آنها طی یک دهه به اتکال و چالش سازمان اوبک پرداختند و تحقیق به هنگام سودجویی با سیاست‌های اوبک در سال 1973 همراه با شدید. "لیست این اعمال فشارها فقط از طرف کمپانی‌های بین‌المللی نفت نبوده است، بلکه به موازات و در کنار آنها دولت‌های کشورهای صنعتی نیز از اعمال فشار بر اوبک غافل نمانده‌اند. آنها موفق شده تا در دهه هشتم این سازمان

2- Askari, Hossein (op.cit), p433.
3- فرشادگر، ناصر، (1374).
4- فرشادگر (پیشین)، ص 212.
را متزیزل سازند و قیمت جهانی نفت را برای مدتی زیره دهلار نگه دارند.
کشورهای صنعتی با وجود همه رقابت‌ها، سازمانی همگرا تشکیل دادند و قدرت مالی، سرمایه‌گذاری، بازرگانی، برتری ذخایر، انسجام همگرایی، پرستیز سازمانی و
مانور دیپلماتیک، سازمانی اوپک را راقی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ کاملاً متزیزل کردن. شاید بتوان گفت که اهمیت قدرت سازمانی کشورهای صنعتی در مقایسه اوپک کارامدترین سیاست‌ها بوده است.

در راستای تلاش برای تضعیف پایه‌های قدرت اوپک از سوی جوامع صنعتی غرب و کاهش وابستگی خود به این کارتل، کشورهای عضو اوپک سهم بیشتری در تأمین نفت جهان صنعتی بیدار کرده‌اند. به عبارتی سهم اوپک در بازار جهانی نفت از ۵۶ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۳۰ درصد در سال ۱۹۸۶ کاهش یافته است. این سهم در سال ۱۹۹۰ به ۲۸ درصد رسیده‌است. این در حالی بود که سهم عرضه غیر اوپک در دهه ۱۹۸۰ از ۵۰ درصد فراتر بوده‌است. نمودارهای شماره ۲ و ۴ فراز و فرودهای تولید و ظرفیت تولید اوپک را در مقایسه با غیراوپک نشان می‌دهند:

نمودار ۳- روند تولید و ظرفیت تولید اوپک

۱- همان منبع، ص ۲۰۹
۲- همتی، عبدالناصر
۳- همان منبع، ص ۲۵۴
نمودار ۱۰- روند تولید و ظرفیت تولید غیر اوریک

۲-۱۷۲- تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی

از جمله اقدامات بسیار مهم و مؤثر جوامع صنعتی غرب در مهر افزایش به‌های جهانی نفت، کنترل قیمت‌ها و چلگیری از یکه‌تازی کشورهای تندرو صادر کننده نفت و به‌همراه اقدامات جمعی اپک و بروز شوک‌های نفتی که تعادل سیستم اقتصادی غرب را برهم می‌زد، تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی بود. به تعبیری دیگر «آژانس بین‌المللی انرژی در نوامبر ۱۹۷۴ توسط ۱۶ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اروپا در پاسخ به تحریم نفتی ۴۸-۱۹۷۳ اعراب تأسیس شد. اعضای سازمان بین‌المللی انرژی باید حداقل به‌های اندازه ۹۰ روز واردات نفتی شان ذخیره نفتی بگردند. کد سازمان مزبور گزارش داد که در تابستان ۱۹۸۳ اعضاش ۳۵/۵ میلیارد بشکه نفت می‌باشد چنین تقریباً چیزی برای ۹۵ روز واردات نفتی آنها را ذخیره کرده است.» یکی از اهداف اصلی تشکیل این آژانس تأمین امنیت عرضه نفت این میان مدت و بلندمدت بوده است. ارائه اقتصادی کشورهای عضو این سازمان تضمین شود. سازمان همکاری و توسعه اروپا با بهره‌گیری از سیاست صرفه‌جویی در مصرف نفت، افزایش اکتشافات نفتی در کشورهای صنعتی و بریون

از ایبیک و دخیبی‌سازی استراتژیک نفت رو در روی ایبیک قرار گرفت. در واقع می‌توان گفت که کشورهای صنعتی غربی، رقابت‌های نفتی را به نوعی کنار گذاشت، با تشکیل این آنزاس، سازمانی همگرا تشکیل دادند و با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری، قدرت مالی، پزشکی، انسجام و بزرگی‌های فنی و فناوری و منورهای دیپلماتیک، سعی در تضعیف ایبیک کردند و توانستند آن را درطی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ به دست مزلزل کنند.

به‌حال‌ها نفتی دهه ۱۹۷۰ که کشورهای آن‌انزاس بین‌المللی انرژی را کامل‌ا نگران ساخته بود، آنها را واداشت تا با اتخاذ اقدامات حساب شده ضمن جلوگیری از به‌حال‌های احتمالی، دسترسی مستمر جوامع صنعتی غرب را به نفت و انرژی افزایش قیمت پردازند. از این رو، با تبادل انرژی شته توانستند در دهه ۱۹۸۰ به افزایش تصاعدی بازار نفت در دهه ۱۹۷۰ پاسخی مناسب بدهند؛ به‌علت «بعد از افزایش سنجین در هزینهٔ اضافی نفت در دهه ۱۹۷۰»، در دهه ۱۹۸۰ قیمت آن شروع به پایین‌آمدن کرد. ۱ بنابراین عده‌ای سی‌پر نژدلی قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ نسبت به دهه قبل از آن را نتیجه برخورد حساب شده آن‌انزاس بین‌المللی انرژی و بازارچه‌ای نفت ارزیابی‌های می‌کند. در واقع، با پایان گفت که عکس العمل کشورهای آن‌انزاس بین‌المللی انرژی نسبت به تحولات دهه ۱۹۷۰، عکس عمل جامعی بود. نخزدیده، سیاست‌های جایگزینی در برابر نفت، محافظت از منابع انرژی و نوآوری فناوری از جمله اقدامات آن‌انزاس بین‌المللی انرژی بوده است. بعلاوه شرکت‌های نفتی سرمایه‌گذاری خود را به نفع کشورهای تولید کننده نفت غیرایبیک در مقابل ایبیک تغییر دادند. این حرکت به‌طور چشم‌گیر، بازار نفت را دستگاه مطالب و دگرگونی کرد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ آتش‌نشان شدکه سطوح قیمت جدید قابل‌گرداری نیست؛ سیاست‌های اتخاذ شده توسط کشورهای آن‌انزاس بین‌المللی انرژی، هزینهٔ اضافی نفت را کم می‌کرد و همچنین هزینه استفاده کننده را به ارقام جزيی کاهش می‌داد. ۲

---
1- فرشادگهر، بی‌پیشین، ص ۲۰۹.
3- Ibid. P:102.
بازار جهانی نفت و سازوکارهای کنترلی آن

3-4-طرح ذخایر استراتژیک نفت

بخش دیگری از اقدامات کشورهای صنعتی غرب، که شکل دهنده بازار اقتصاد
جهانی نفت است، طرح "ذخایر استراتژیک نفت" بود. اهمیت ذخیره‌سازی نفت به
منظور رویارویی با حوادث از سالهای دهه 1920 و 1930 آغاز شد. بللازدگی پس
از جنگ جهانی دوم، موضوع به صورت جدی تر مورد بحث مقامات کشورهای
مرصع کننده نفت قرار گرفت. طرح مذکور اقدامی بیشتری از سوی کشورهای
غریب به منظور جلوگیری از وقوع مجدوبان‌های اندزی است. ذخایر استراتژیک
از دیدگاه قدرت بخشیدن به متقاضیان نفتی اهمیت بسیار دارد. زیرا کشوری که
بتواند مدت زمان نسبتاً طولانی در برابر قطع عرضه نفت مقاومت کند، می‌تواند بر
جبهه تغییر قیمت نفت در بازار تأثیر بگذارد. نمونه استفاده از ذخایر استراتژیک
به منظور تغییر قیمت نفت در بازار، سال 1992 و در بی وقوع جنگ خلیج فارس
رخ داد. در این زمان، کشورهای مصرف کننده موافقت کردن روزانه 2/5 میلیون
بسته نفت از محل ذخایر خود به فروشند. آنها با این عمل، قیمت نفت را به سطح
مطلوب و مورد نظر، تعیین کردن.

3-2-ییجاد تورم در کالاها و خدمات

کشورهای صنعتی غرب با جذب وسیع درآمد‌های حاصل از تجارت نفت
ارزان قیمت به‌سود خود در سطح بین‌المللی، شالوده اقتصادی کشورهای
صادر کننده نفت را کنترل می‌کنند. در صورتی که کشورهای نفت خیز قیمت نفت
خام را افزایش دهند، کشورهای صنعتی غرب به شکل پیچیده افزایش قیمت‌ها
را از طریق تورم و بروزی با پول‌های بین‌المللی خشونت می‌کنند. این کاری است که
کشورهای صنعت‌دار غرب زمینه‌ان یا با توانافا در مورد شناور کردن ارزش بول
خود و از میان برداشتن ارزش طلا به عنوان پشتونه‌پول و در نتیجه از بین بردن
رابطه طلا با ارزش ارزهای خود، در زانویه 1974 در واشنگتن فراهم ساخته‌شده.
به
دنبال آن به اقدامات عملی، برای خشونت کردن افزایش قیمت نفت دست زدند. این
کار در اولین قدم در ساخته کاهش قیمت مواد خام (به جز موارد غذایی و نفت)
صوته گرفت. کشورهای صنعتی وارد کننده کالای خام، قیمت آنها را یکجانبه از سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۲-۵۲) سی و دو درصد نسبت به سال قبل کاهش دادند. این اقدام به کشورهای جهان سوم که صادر کننده مواد خام هستند به سختی ضربه زده. فشار آن برای بیشتر این کشورها تحمل ناپذیر بود. در میان کشورها، بدتر از همه آنهلایی بودند که مواد غذایی و نفت عمده‌ترین اقلام وارداتی آنها را تشکیل می‌دادند. این کشورها از دو طرف تحت فشار قرار گرفتند. از یک سو باید مواد خام خود را به ۲۲٪ ارزانتر می‌فروختند و از سوی دیگر موانع دیگر، مواد غذایی، نفت و کالایی صنعتی غرب را با قیمت سراسری اور خریداری می‌کردند. همراه با کاهش قیمت مواد خام، کشورهای صرب امیلی داریا صنعتی غرب ۳/۴ درصد به قیمت کالاهای صادرا وارد کشورهای عضو اوپک افزودند. این کار با بررسی‌های اقتصادی و مالی اوپک از ابتدا سال ۱۹۷۴ همزمان با افزایش قیمت نفت به اجرا گذاشته شد. این نسبت افزایش قیمت کالاهای صادرا در غرب، چنان که در جدول شماره (۲) دیده می‌شود چهار سال بعد (۱۹۷۸) با مقایسه با سال ۱۹۷۳، ۲/۲۴ درصد افزایش یافت و در سال ۱۹۷۹ به ۹/۳ برابر رسید. ۱ در همین راستا قیمت کالاهای وارد شده از کشورهای صنعتی غرب به کشورهای عضو اوپک، هر چهارم را یک بار افزایش داشته است. بررسی‌های اقتصادی و مالی اوپک حاکی از این است که برگندرین‌بخش از درآمدهای کشورهای عضو اوپک به افزایش قیمت کالاهای وارداتی (تورم) به کشورهای صنعتی غرب به کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۷۸ مبلغ ۸۸/۸۱/۱۰۰/۱۰۰/۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. اما ارزش این صادرات باقی‌مانده سال ۱۹۷۳ مبلغ ۲۴۳/۵۰۰/۵۰۰ میلیارد دلار بوده است؛ بنیان کشورهای صنعتی غرب تنها در این شش سال مبلغی بیش از ۵۵ میلیارد دلار از پول کشورهای تولید کننده نفت را به مدت تورم جذب کردند. ۲

۱- رئیس طویس، رضا (پیشین)، صص ۱۹۷-۱۹۸۱.
۲- همان منبع، صص ۱۹۸. 
بازار جهانی نفت و سازوکارهای کنترلی آن

تورم حاصل از موادگذاری و محصولات و کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی به مراتب بیش از تورم و افزایش قیمت نفت صادراتی کشورهای نفت‌خور به‌طور است. دکتر امیرباقر مدنی در کتاب "آویک و اثرات تحریمی تطبیق قیمت نفت" اشاره دارد که "برخلاف تبلیغات و جنجال رسانه‌های گروهی، تطبیق قیمت نفت تنها یکی از علل تورم رکورد در غرب محسوب می‌شود نه همه آن. طبق بررسی‌های انگل مکرمه، اثرات افزایش قیمت نفت در تورم جهانی فقط ۳ درصد بوده در حالی که مطلق جدول زیر نشان می‌دهد که قیمت گندم در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۷۳ دو برابر افزایش داشته است، قیمت سایر کالاهای ضروری مانند گوشت، شکر، روحیات و سیمان نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. بنابراین در هر حال بدون افزایش قیمت نفت، هم کشورهای صنعتی شاهد افزایش شدید قیمت‌ها می‌شوند. یک جدول زیر نرخ رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صنعتی طی سال‌های ۷۸-۸۲ را به نقل از برخی منابع خارجی به تصویر کشانده است.

جدول ۵- نرخ رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صنعتی ۸۱-۱۹۷۳

<table>
<thead>
<tr>
<th>۱۹۸۱</th>
<th>۱۹۷۸</th>
<th>۱۹۷۷</th>
<th>۱۹۷۶</th>
<th>۱۹۷۵</th>
<th>۱۹۷۴</th>
<th>۱۹۷۳</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>تورم</td>
<td>۶/۹</td>
<td>۷/۱</td>
<td>۷/۱</td>
<td>۱۰/۰</td>
<td>۱۱/۹</td>
<td>۷/۲</td>
</tr>
<tr>
<td>دوآتی</td>
<td>۳/۴</td>
<td>۴/۰</td>
<td>۵/۴</td>
<td>۲/۰</td>
<td>۲/۰</td>
<td>۹/۶</td>
</tr>
</tbody>
</table>

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در جدیدترین گزارش خود نرخ رشد اقتصادی تورم را طی سال‌های ۱۹۸۴-۷۸ و چنین ارائه داده است.

۱- مدنی، امیرباقر، (۱۳۶۳).
جدول ۶- نرخ رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صنعتی طی سال‌های ۱۹۸۵-۲۰۰۰

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال</th>
<th>۱۹۸۵</th>
<th>۱۹۸۶</th>
<th>۱۹۸۷</th>
<th>۱۹۸۸</th>
<th>۱۹۸۹</th>
<th>۱۹۹۰</th>
<th>۱۹۹۱</th>
<th>۱۹۹۲</th>
<th>۱۹۹۳</th>
<th>۱۹۹۴</th>
<th>۱۹۹۵</th>
<th>۱۹۹۶</th>
<th>۱۹۹۷</th>
<th>۱۹۹۸</th>
<th>۱۹۹۹</th>
<th>۲۰۰۰</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>نرخ رشد</td>
<td>۰/۳</td>
<td>۰/۴</td>
<td>۰/۴</td>
<td>۰/۹</td>
<td>۰/۴</td>
<td>۰/۶</td>
<td>۰/۶</td>
<td>۰/۷</td>
<td>۰/۹</td>
<td>۰/۸</td>
<td>۰/۷</td>
<td>۰/۶</td>
<td>۰/۷</td>
<td>۰/۸</td>
<td>۰/۷</td>
<td>۰/۶</td>
</tr>
<tr>
<td>تورم</td>
<td>۲/۲</td>
<td>۲/۶</td>
<td>۲/۳</td>
<td>۲/۲</td>
<td>۲/۲</td>
<td>۲/۲</td>
<td>۳/۱</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
<td>۳/۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

مآخذ: W.W.W. IMF.org

این اقشار از سوی جوامع غربی نیز نقش مؤثری در خشیان کردن اقدامات
کشورهای صادرکننده نفت داشته و بالعکس نتیجه آن به قوی اقتصاد جوامع صنعتی
غرب بوده است. از این رو کشورهای عضو ایوپک از نیمه سال ۱۹۷۷ و در طول
سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ شدیدتر از سال‌های قبل از شناور شدن نرخ ارز زیان دیده‌اند.

کاهش ارزش دلار، دولت که کشورهای عضو ایوپک در برابر فروش نفت خود
دریافت می‌کند به مثابه ضربه مهگانی بر توأم‌نیم‌های اقتصادی آن کشورهایی
که ارزش دلار رفع کشورهای تولید کننده نفت را براد در آن‌چه به جاذبه به
بوده می‌کند. این کاهش به میزان ۲/۱۵٪ درصد در پایان سال ۱۹۷۱ تأثیر بسیاری
بر درآمد کشورهای تولید کننده نفت داشت. ۱ با کاهش ارزش دلار کشورهای تولید
کننده نفت از یکطرف برای نفت خود دلار کستی دریافت می‌کردن و از سوی
دهگر برای خرید کالاهای متنوع مورد نیاز خود، بدیل دلار بیشتری می‌پرداختند.
در سال‌های ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) وضع از این هم بدتند؛ زیرا آمریکا در عمل از اوت سال
۱۹۷۱ توافق تبادل دلار را به طلا از بین بردا
از مهرهای سال ۱۳۵۶ تا مهرهای سال ۱۳۵۷ براساس محاسبات اداره اقتصادی
ومالی ایوپک، کشورهای عضو ایوپک نزدیک به ۲۰ درصد از قدرت خرید خود را
تنها به علت شناور ساختن نرخ ارزها از دست داده‌اند.

1- رئیس طوسي (پیشین)، ص ۱۵۹
2- همان منبع، ص ۲۰۰
6- متنوع کردن بازارهای خرید نفت
از دیگر روش‌های کارامدی که بازار اقتصاد جهانی نفت براوی جلوگیری از افزایش قیمت‌نفت به کار گرفته این است که با متنوع کردن بازارهای خرید خود از وابستگی افزار به یک منطقه و تهیه‌دهد احتمالی ناشی از این وابستگی کاسته است. این امر ضمن این که رابطی رابین کشورهای صادر کننده نفت ایجاد می‌کند، از دو جهت آسیب‌پذیری کشورهای صنعتی غرب به افزار یک منطقه می‌کاهد. این مسئله در مورد خاورمیانه و کشورهای عضو اوبک حساسیت خاصی پیدا کرده است؛ به عبارتی „در خاورمیانه رابطه متقابل نفت و سیاست‌های بین‌المللی بسیار پرآهمیت و پیچیده است. در حالی که در مناطق دیگر دنیا این امر جنابی متعارف دارد”. 1 یک نکته درباری کشورهای صنعتی غرب با توجه به حساسیت منطقه خاورمیانه به تدریج با گسترش بازارهای غیرخارمیانه و غیراروبیک، در صند تأمین امنیت بی‌شتر انرژی و کاهش ضربت وابستگی و آسیب‌پذیری بوده‌اند؛ هر چند تقاضای جهانی در چند سال گذشته افزایش یافته است و این خبر خوبی برای همه کشورهای عضو اوبک است. منافع‌شناسی برای اوبک این تقاضا اساساً در مقابل غیر اوبک قرار گرفته است. در واقع سهم جهانی نفت اوبک به‌طور چشمگیری از بالای 61 درصد در سال 1979 به پایین 41 درصد در سال 1985 کاهش یافته. 2  افزایش عرضه توسط تولید کننده غیراروبیک، به تشویق کشورهای صنعتی روبه‌رو است، باعث شده تا «رقابت در صنعت نفت اغلب می‌شود». 3 بدهی است که این رقابت به نفع بازار جهانی نفت و کشورهای صنعتی غرب است. در راستای تشدید رقابت بین اوبک و غیراروبیک و گسترش بازار جهانی نفت و کاهش ضربت وابستگی به نفت است که تولید اوبک به رغم افزایش مصرف کشورهای صنعتی غرب به دست نسبت به گذشته کاهش یافته است. در واقع تقاضای خالص نفتی اوبک از 30 میلیون بشکه در روز در دهه 1970 به 15

---
1- اولد، بیستول، نفت و کشورهای بزرگ جهان، ترجمه امیرحسین جهانگیلو، تهران، پن، 125، ص 130.
3- Ibid, P:42.
میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته و در نتیجه فشار بر بهایی جهانی نفت که به شکست قیمت در ۱۹۷۴ منجر شد، موجب یک ضربه شدید به کشورهای عضو اویک واقع در منطقه خاورمیانه شد. به موارد کاهش تقاضای جهانی نسبت به نفت اویک «سرباره‌گذاری‌ها در اکتشافات جدید متمرکز بر کشورهای غرب اویک شد و تولید غیر اویک درده و ۱۸۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ به ۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۷ رسید (یک افراشی ۳۰ درصدی) و تا کنون در همان سطح باقی مانده است. در همان دوره، اتحادیه‌روی چین و دیگر کشورهای شرقی تولیدشان را از ۱۲/۵ میلیون به ۱۵/۵ میلیون به کاهش در روز افراشی دانست (یعنی افراشی ۲۵ درصدی).»

۱- کاهش تقاضا نسبت به نفت اویک در حالی صورت گرفت که تفاوت فاحشی بین ذخایرانتی کشورهای عضو اویک و غیر اویک وجود دارد؛ در حالی که اویک بالغ بر ۷۵٪ ذخایر قابل اکتشاف ثابت شده دنیا را داراست، تولیدش فقط ۴۱ درصد کل تولید جهان است. برعكس تولید کنندگان غیر اویک که کمتر از ۲۵٪ این ذخایر را دارا هستند.

۲- کاهش ارزش سیردههای اویک نزد بانک‌های غربی

یکی دیگر از اهم‌های فشار بزار اقتصاد جهانی نفت در جلوگیری از افزایش جهانی بهای نفت، کاهش ارزش پول بعضی از کشورهای اصلی اپیک است. در واقع کشورهای عضو اپیک با پول‌هایی که در بزارهای عمده پولی و یا بانک‌های ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و برازیلی دیگر کشورهای اروپایی دارند، در معرض تهدیدات جدی اقتصادی قرار گرفته‌اند؛ به عبارتی کامیش ارزش پول این کشورها، توانایی و قدرت خرید آنها را پایین آورده و آزار سویی بر اقتصاد این کشورها باقی می‌گذارد. موجودی‌های کشورهای عضو ایک به‌عبیر ریس اداره اقتصاد مالی اپیک در

۱- Ibid, P.75.
معرض کاهش شدید، چه با تورم و چه با یک تب می‌تواند از قرار دارد. در موارد زیادی از ورود دارایی‌های اولیک به مناطقی که سودآور است جلوگیری می‌شود. در هیچ مورد به آنها ضررت کافی داده نمی‌شود که مطمنش شوند با گذشت زمان، ارزش پول آنها کاسته نخواهد شد.۱

۲-۸- دو نهاد بین‌المللی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول
این دو نهاد بین‌المللی به عنوان دو نهاد قدرتمند اقتصادی که ساخته و پرداخته جوامع صنعتی گردند، در کنترل و انتخاب آمریکا و اروپا قرار دارند. ریسیس بانک جهانی همیشه آمریکایی است و مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول همیشه اروپایی و معاون اول نیز همیشه آمریکایی است. صندوق بین‌المللی پول از زمان تأسیس همواره به عنوان یک وسیله تحمیل انضباط مالی آمریکا بین در کشورهای جهان سوم عمل کرده است. چنان‌چه کشوری به توصیه‌ها و برنامه‌های عرضه شده از سوی صندوق عمل نکند، هیچ‌یک از منتسبه‌های اقتصادی اصولاً جهان و یا حتی وام دهدگان خصوصی و یا بانک جهانی به آن کشور اعتبار سرمایه‌گذاری نمی‌دهند. در عمل، آمریکایی‌ها در بخش غرب باید به دو مركز بزرگ مالی، برنامه‌های توسیع کشورهای جهان سوم را چنان پرداخته که کشورهای غربی را به غرب تثبیت می‌کند. صندوق بین‌المللی پول توسط اعضای صندوق و به نسبت سهمی که دارد کنترل می‌شود. از این رو آمریکا و برخی کشورهای قدرتمند اروپایی و از چند کشورهای دیگر علت رشد اقتصادی و سهم بالایی که در صندوق دارند بر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های این صندوق اعمال نمی‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت به رغم رشد و توسیع سرمایه‌ای که صنایع نفت و گاز خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ داشته‌اند، همواره سخن از افزایش تولید کننده‌گان غیراوپک و فقدان ثبات سیاسی منطقه بوده است، اما اکنون حتی متفاوت از دهه ۱۹۷۰ شاهد نفک فراپیمای نهادهای مالی بین‌المللی و شرایط جدیدی هستیم، این
شرايط جديد و كنوني عبارتند از:
الف - مشارکت مستقیم و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی نفتی در صنعت نفت خام منطقه‌ی
ب - نقش فراهم‌کننده نهادهای مالی بین‌المللی
ج - تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه عليه سه تولیدکننده اصلی ۱.

۲-۹- نفوذ سياسي در كشورهای نفتی
قدرت‌های صنعتی غرب با برخورداری از علم و فناوری از یک سو، و از سوی دیگر برخورداری از سابقات تاریخی استعماری و اهمیت مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی به منظر گسترش نفوذ و سلطه در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای نفت‌خزب بهره‌گرفته‌اند. اقدام‌های رژیم‌های کشورهای نفت‌خزب و حجار مشروعیت این حکومت‌ها نیز خود زمینه‌ساز وابستگی آنها به قدرت‌های بیگانه شده است؛ به عبارتی فقدان پایگاه مردمی و نگرانی از خیزش‌ها و قیام‌های مردمی، بستر ساز وابستگی "الیت" سیاسی حاکم به کشورهای غربی شد تا سیاست‌های نفتی را در راستای خواست و اراده آنها تظیم کند. برای مثال سال ۱۹۸۱ در جریان شش‌مین اجلاس اوپک در هتل اینترنت‌کنانتال، دوژده کشور از سی‌وسه کشور عضو اوپک سه روز متوالی (۲۵ ایل ۲۷ مه) به‌طوره ناچسب‌تر می‌کردند تا عربستان سعودی را متقاعد سازند که تولیدش را کاهش دهد که بتوانند به اشباع بازار پایان دهند. اما زکی یمینی وزیر نفت وقت عربستان سعودی از تغییر موضع خود، خودداری می‌کرد. او به آنها گفت، مدام که قیمت‌های نفت خود را پایین نیاورید هیچ گونه کاهشی در تولید نفت عربستان صورت نخواهد گرفت. یمینی در توجه اقدامات غیرعقلایی خود مبنی بر کاهش و یا ثابت نگهدارین قیمت‌ها و افزایش تولید و در نهایت اشباع بازارهای نفت عنوان داشت که: "کاهش تولید در نفت سعودی، اقتصاد کشورهای غربی را به

۲- ترزنیان، ایبی، (۱۳۶۷).
خطرانداخته و حتی ممکن است برخی نظام‌های دموکراتیک در اروپا را متزلزل کند. 

رفتار غیرعلامتی عربستان سعودی به گونه‌ای بود که در برخی موارد تحت نفوذ سیاسی غرب به منظور نشان دادن وفاداری سیاسی خود به آنها، از کشورهای مصرف کننده تقاضای مساعدت در مقابل با همیپارتنیش را می‌کردند که چنان که زکی مالی در مصاحبه ۱۹ آوریل ۱۹۸۱ تا آنها بیش رفت که رسمی از کشورهای مصرف کننده تقاضا کرد تا به عربستان سعودی، در این زورازمایی عليه همیپارتنیش در ایپک کمک کند. او از آمریکایی‌ها خواست تا به سرعت برنامه ذخیره‌سازی استراتژیک خود را متوقف سازند تا تقاضا افزایش پیدا نکند و درنتیجه فشار بر قیمت‌های همچنان حفظ شود. این کشورهای مصرف‌کننده توصیه کرد که صبر کنند تا قیمت‌ها کاهش یابد و آنها می‌توانند به راحتی و با قیمت ممکنی با خرید نفت مبادلات کنند. جیمز اکنیس سفیر سابق آمریکا در عربستان سعودی در اکتبر ۱۹۷۴ یکی مصاحبه‌های مطبوعاتی در شیکاگو اعلام داشته بود که بدون وجود عربستان سعودی قیمت نفت ممکن است حین این هم بالاتر برود. او تصمیم کرد: "آگر عربستان سعودی روزانه ۸۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند، به این دلیل است که ما این امر را از آن کشور خواسته‌ایم." روند فراپید نفوذ بر کشورهای غرب خلیج فارس عمیق و گستردگی است چنین که می‌خین تصمیم دارد: "نفوذ قدرت‌های غربی بر سیاست خارجی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای صادر کننده نفت به گونه‌ای قابل توجهی استمرار دارد، هرچند نتایج این نفوذ متفاوت است. موقعیت وابسته تعداد زیادی از این کشورها از طریق فروش اسلحة از سوی غرب تقویت شده است." نویسنده در ادامه بیان می‌کند که: "واشنگتن منتهی به تلاش خود را به خرج می‌دهد تا

1- همان منبع، ص. ۴۵۳.
2- همان منبع، ص. ۳۸۸.
3- همان منبع، ص. ۳۲۰.
4- Mikhin.
دولت‌های محافظه‌کار عرب در منطقه خلیج فارس را قاچاق سازد که ذخایر تسليحاتی زیادی آنها، برای حفظ تاج و تخت آنها و کشورهای کافی نیست و این که آنها نمی‌توانند بدون مساعدت ایالات متحده باقی بمانند. تصادفی نیست که مطبوعات ایالات متحده گزارش‌های زیادی در مورد "تهدید شیعه برای خلیج"، اقدامات "عناصر خرابکار" و غیره پخش می‌کنند.۱ در کنار موارد ذکر شده در رابطه با علل همکاری برخی کشورهای عمده صادر کننده نفت با کشورهای صنعتی غرب به منظور پایین‌هگذاری نهایی نفت، می‌توان به انگیزه‌هایی آنها در محاسبات سیاسی واقتصادی شان اشاره کرد: «واضح است که بسیاری از کشورهای عضو اوبک مایلند که قیمت نفت‌شان نسبت به گذشته افزایش یابید یا بالاتر رود، به گونه‌ای که این افزایش قیمت بتواند درآمدهای از دست رفته دهه گذشته آنها را جبران کند، آنها به‌دست‌آریز مسأله نفت برده‌اند. اما برخی از بزرگترین کشورهای عضو اوبک در خارجیانهای مایل نیستند که شاهد افزایش قیمت نفت باشد و انگیزه‌هایشان از این امر کاملاً آشکار است. درواقع انگیزه‌های آنها هم محاسبات اقتصادی و هم محاسبات سیاسی را شامل می‌شود».۲

چیمپ زلزینگر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، در زمان‌های ۱۹۷۴ به کشورهای تولید کننده نفت منطقه اختراع کرد که «آگر دنبال صنعتی را فلج کند با خطرافدامات نظامی رو بهو به خواهند شد.» او گفت که انتظار ندارد چنین وضعی به وجود آید. اما اگر اتفاق افتاد این کشورها باید در انتظار با کار رفت در قوای نظامی عليه خود باشند. در این هنگام مطبوعات غرب شیعه آمادگی‌ها به شخص ایالات متحده آمریکا برای عملیات و مناطق نفت بخیز دامن می‌زندند؛ حتی در مورد یکی از تحملگران نظامی بهترین منطقه را برای حمله نیروهای آمریکایی مشخص کرده بود. این منطقه یک نوار ۴۰۰ مایلی ساحلی از کویت تا قطر را تشکیل می‌داد که منطقه‌ای از آن شامل ۴۰ مایلی نوار بهنام‌تری است که حدود ۹۷۷۸ ایجاد نفت را به طور گروهی در ۲۱ میلادی نفتی در برنگیرند و دارای ۴۰ پالایشگاه و ۱۰ بندر است.» ۱ مشاهده این سخنرانی کیسنسن جوان بسیار بعد در مصاحبه‌ای با یک شبکه بریتانیا در سال ۱۹۷۵ اظهار کرد که: «آگر کاهش صدور نفت، منافع کشورهای صنعتی را به خطر اندازد، آمریکا ممکن است در خارجی‌مانه مقام نهاده نظامی کنند.» ۲ در واقع می‌توان گفت «برای اولین بار ایالات متحده بود که از امکان به کارگیری نیروهای نظامی آمریکا به منظور راه‌اندازی مناطق نفتی سحن به میان اورود» ۳ جرالد فورد، یکی دیگر از رؤسای جمهوری آمریکا، در دفاع از اهداف حیاتی آمریکایی ویزه مسائل نفت منطقه، نیز زاویه تهیه اقتصادی را نظر دور نداشته، چنین یاد آوری کرد که: «در صورت تحریم مجدد نفت، آمریکا با پدر از فروش‌های به ایپک خودداری کند.» ۳ غربی‌ها و آمریکایی‌ها، آخرین بار در سال ۱۹۹۰، با توسیع به یک عملیات مشترک نظامی در مقابل تهاجم عراق به کویت، (که یکی از دوستان و منتدان نفتی غرب و آمریکا محصور می‌شد) ضمن نشان دادن وفاداری سیاسی خود به

۱- رئیس طوسی، (پیشین)
۲- مندی، ابرکهریز، (پیشین)، ص ۶۰
۳- همان منبع، ص ۶۰
۴- همان منبع، صص ۱۹۹۲-۱۹۹۳
کویت، و شیوخ منطقه و حفظ امنیت جریان انرژی به سمت غرب، بیش از گذشته توانتند، سلطه و نفوذ خود را در منطقه تحکیم و تثبیت کنند. در واقع «با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پاپان پایتخت جنگ سرد، شبی بموخته نظامی گسترده توسط کشورهای وارد کننده نفت، برای بازیافت کویت و حمایت از عربستان سعودی در مقابل تهدید عراق آشکار شد.\(^1\)

11- تعیین سیاست انرژی‌های جایگزین

واستگنی جهان صنعتی غرب به نفت کشورهای صادرکننده و نگرانی آنها از امنیت انرژی آنها را بر آن داشته است تا با اتخاذ تمهیداتی جریان استمرار نفت ارزان را به سوی غرب تضمین کند. بنابراین از آنجایی که نفت خام یکی از حامل های عمده انرژی است هرگونه تغییر عمده ناهنجاری در قیمت آن منجر به نوسانات شدید در قیمت انرژی می‌شود. افزایش در قیمت‌های متغیر‌های کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.\(^2\)

تاکید جهان صنعتی بر امنیت انرژی و دستیابی به انرژی‌های قائم قرار آنها را به تغییر سیاست انرژی‌های جایگزین واداشته است. در این راستا آنها برنامه تحقیق و توسعه (R & D) را در دستور کار خود قرار دادند. افزایش قیمت نفت به ویژه در جریان شوک‌های نفتی آنها برای افزایش قیمت‌های متغیرهای انرژی‌های جایگزین را در دستور کار خود قرار دادند؛ در نتیجه افزایش قابل توجه قیمت نفت طی سال‌های 1972-1973 کل بودجه منظور شده برای تحقیق و توسعه (R & D) انرژی‌های جدید‌تر به طور قابل توجهی افزایش ییدا کرد. بعد از اساس 1981 میزان هزینه در (R & D) به دلیل کاهش عمده در (R & D) آمریکا کاهش یافت. در خارج از آمریکا بودجه‌های (R & D) هزینه‌های افزایش‌های (R & D) ۸۳۰۵.\(^2\)

1- Mitchell John, (op. cit), P:263.
تقريباً تثبت شده بود. نگرانی فراوانه درباره محیط زیست از پایان دهه 1980 دلیل دیگری برای تماشای به توسعاً فناوری‌های تجدیدپذیر بوده است. در همین راستا کشورهای صنعتی و مصرف کننده نفت از مالیات بر انرژی به خصوص مالیات بر کربن به عنوان وسیله برای مقابله با آلودگی محیط زیست و سیاست‌های تغییر در شرایط اقتصادی کره زمین استفاده کرندند. بنابراین نفت خام بیشتر ارزیابی حاصله انرژی تحت فشار این کشورها قرار گرفته است. نتیجه طبیعی این امر بحث کنترل مصرف بی‌روهی نفت و فراورده‌های حاصل از آن و تلاش در کاهش آنها را به این نمود. بنابراین، این کشورهای صنعتی در قبال پروتکل کیوتو تعداد کردن میزان ۵٪ درصد از انتشار نوع‌گزگل‌هایی را از سطح سال ۱۹۹۰ برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۲ کاهش دهنده و برای انجام تعهدات خود از مالیات بر انرژی استفاده کنند. هر چند این کنفرانس با موافقت شرکت کنندگان ۱۶۰ کشور همراه بود ولی امری کا جمله کشورهایی بوده که از پایندی تعهدات این پروتکل با بهانه مخلوع شدن منافع اقتصادی خود سر باز زد.

۳- نتیجه‌گیری

به رغم روند فراوانه افزایش تولید از سوی کشورهای اوبیک و غیراوبیک، رشد تقاضا و مصرف نفت تحت تأثیر متغیرهای مختلفی نظر رشد اقتصاد جهانی، سقف تولید تعیین شده از سوی سازمان‌های نفتی نظیر اوپک، پیشرفت کارایی و فناوری، سیاست‌های زیست محیطی و مالیاتی کشورهای صنعتی و رقابت در بازارگری سوخت‌های فسیلی و انرژی‌های دیگر رنگ انرژی اتمی است. پیش‌بینی شده است که تقاضای جهانی در سال ۲۰۱۰ به ۷۷ میلیون بشکه در روز بررسد. وابستگی فراوانه‌ای جهان صنعتی به نفت آنها را وادار به افزایش سازوکارهای و
سیاست‌های کنترلی خاصی کرد که است که در پرتو آنها روند استمرار امنیت انرژی ارزان به‌سوی آنها نهاددهنده شود. در نهایت مجموعه‌ای اقدامات و خط و مسی‌ها منجر به شکل‌گیری بزار جهانی نفت مبنایی بر قواعد و اهداف خاصی شد (چنان که در نمودار شماره 5 دیده می‌شود).

دولتهای صنعتی غرب پس از شوک اول نفتی با تأسیس آزادسینیان نفت در جهان انرژی (۱۹۷۴) سیاست‌های انرژی خود را بر اساس حداقل وابستگی به نفت و به حضور نفت اولیک تنظیم گردند. از آن زمان تاکنون تلاش این کشورها در این جهت بوده است که سهم سایر حامل‌های انرژی را در سبد انرژی خود افزایش و به نفت را به حداکثر ممکن کاهش دهند. به‌علاوه تا حداکثری نفت مورد نیاز خود را از مناطق غیراپوک تأمین کنند. در دورانی که در آن قرار داریم (از حدود اواست دهه ۱۹۹۰ تاکنون) علیرغم تمایل دولت‌های صنعتی، باگستگی این حمله به نفت و غاز اپوک و به‌خصوص خاورمیانه افزایش یافته است. موجب جدید جهانی سازی درصعوبه نفت و غاز کشورهای دارنده این ماده حیاتی آغاز شده است. در این موجب، جدید‌ترین فناوری‌ها و ترقی‌های در صنایع نفت کشورهای مذکور برای دولت‌های صنعتی غیرقابل قبول و غیرقابل تحمل است. ایران موجب جدید جهانی شدن صنایع نفت آن بوده است که در هر صنایع نفت کشورهای عضو اپوک دوباره بر روی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بایستد. در موجب جدید کشورهای صادر کننده نفت تحت فشار قرار دارند که ساختارهای درون‌گرای صنایع نفت خود را متحول کرده و ساختارهایی را طراحی کنند که امکان تعامل با خارج را دارا باشند.

معاونه منشور انرژی که در سال ۱۹۹۸ به‌تصویب نهاد قانون‌گذاری جامعه اروپا و برخی کشورهای دیگر رسید یک معاونه، چندجانبه بین المللی در بخش انرژی است. این معاونه گام‌داری در نهادهای فردی است، چرا که جریان سوخت به‌وبه‌وبه نفت به سوی جهان صنعتی غرب است که حیال سیاست‌های توسیع‌یافته را به همراه داشته. هدف اصلی این معاونه همکاری اقتصادی و ایجاد تسهیلات در کشورهای تولید کننده انرژی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های
اقتصادی در اکتشاف، استخراج، تولید، انتقال و تجارت از طریق سازوکارهای حقوقی قوی بین المللی است.

نمودار 5- بازار جهانی نفت و سازوکارهای کنترلی آن

فهرست منابع

1- احمدیان، مجید، (۱۳۷۸)، اقتصاد نظری و کاربرد نفت، تهران، پژوهشکده اقتصاد تریبنت مدرس.
2- اودل، پیترز، (۱۳۷۵)، نفت و کشورهای بزرگ جهان، ترجمه امیرحسین جهانپورلو، تهران، بی‌ن‌ا.
3- بارگر، توماس سی، سیاست‌انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، ترجمه بیژن اسدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
4- تالیب، سعید، (۱۳۷۴)، عوامل موثر و تعیین کننده در تدوین سیاست‌های نفتی ایران، مجله سیاست خارجی، ش نهم، بهار.
5- ترزيان، پی‌هر، (۱۳۶۷)، داستان اوپک، ترجمه عبدالله غفرانی، انتشارات فراندیش.
6. مرداد و شهریور، ش (1380)، تجدید ساختار در صنعت نفت جهان و ادغام اقتصاد انرژی، خلعت بری، فیروزه، (1367)، مبانی اقتصادی نفت تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
7. رئیس طویسی، رضا، (1367)، نفت و بحران انرژی، تهران، انتشارات کیهان.
8. شورای جهانی انرژی، (1375)، صنایع انرژی تجدیدپذیر نوین، ترجمه احمد کریمی و دیگران، تهران، اطلس.
9. فرشادگر، ناصر، (1376)، بررسی قدرت اوبک در سیاست جهان نفت تهران، انتشارات دانشگاه امام خمینی (ع).
10. مدنی اسمباقر، (1367)، اوبک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
11. مزرعی، محمد و دیگران، وکیلی و نظامی به قیمت‌های نفت، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال اول ش 1.
12. مهدی، ابوالقاسم، (1376)، نفت و توسعه اقتصاد ایران، مجله تحقیقات اقتصادی پاییز و زمستان، ش 51.
13. همتی، عبذرضا، الگوی عرضه نفت کشورهای غیر اوبک، مجله تحقیقات اقتصادی، ص 45-59.
14. یمانتی، زکی، گنشته، حال و یافته (سخنرانی در دانشگاه هاروارد) نفت و اقتصاد، نشریه امور بین المللی، ش 69.

24- Morse, Edward, L., (1990), "the coming oil revolutiion", *foreign affairs*, Vol. 69, No.5, winter.